



دانشگاه ساری
پیش

معناشناسی «عقل» در قرآن، روایات اسلامی و تطبیق آن با عقل مشائی

دکتر افلاطون صادقی

امروز کتابخوانی و علم‌آموزی نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.^۱

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتابخوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پر بار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه مطالعه هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین سوره‌ای که بر آن فرستاده عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد

1. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2696>

شده است: «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده اند.

دانشگاه پیام نور با گستره جغرافیایی ایران شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه جا و همه وقت، به عنوان دانشگاهی کتاب محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره گیری از تجربه های گرانقدر استادان و صاحب نظران برجسته کشورمان، کتاب ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه مهم و خطیر یاری رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه خطیر یاری می رسانند، سپاسگزاری می نمایم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام نور را منزلگاه اندیشه سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام نور

فهرست مطالب

پیشگفتار	یازده
فصل اول: کلیات	۱
مقدمه	۱
۱-۱ طرح مسأله	۳
۲-۱ معرفی کلی رویکرد تطبیقی	۶
۳-۱ معناشناسی در حوزه زبان‌شناسی	۸
۱-۳-۱ زبان	۸
۲-۳-۱ معنا و معناشناسی	۹
۴-۱ معناشناسی واژه‌ها و عبارات قرآنی	۱۵
۵-۱ معناشناسی یک واژه در سیر تحولات معنایی آن	۱۷
۶-۱ واژه عقل در آثار اعراب قبل اسلام و دوره معاصر ظهور آن	۲۱
۷-۱ واژه عقل و معانی آن از نظر لغت‌شناسان در فرهنگ اسلامی و سیر تحولات آن	۲۵
۸-۱ فلسفه یا حکمت مشاء	۳۱
خلاصه فصل اول	۳۲
فصل دوم: معناشناسی عقل در قرآن	۳۵
مقدمه	۳۵
۱-۲ قرآن و نظر مسلمانان درباره آن	۳۶
۲-۲ چگونگی کاربرد واژه عقل در قرآن	۳۷
۳-۲ عناصر حوزه معناشناسی عقل (رابطه هم‌نشینی) در قرآن	۴۰
۴-۲ نتایج و پیامدهای تعقل در بیان آیات الهی	۵۰
۱-۴-۲ پی‌بردن به خالق هستی، قدرت او و شناخت خداوند	۵۰
۲-۴-۲ تذکر به معاد و برتری آخرت بر دنیا	۵۱
۳-۴-۲ نمود رابطه تعقل و اخلاق	۵۲

۵۳	۲-۴-۴. تعقل و هدایت
۵۴	۲-۴-۵ رابطه تعقل و دانش و دانایی
۵۵	۲-۴-۶ رابطه تعقل و احساس، یا عقل و نقل در دیدگاه قرآن
۵۸	۲-۵-۵ واژه‌های مترادف و متقارب عقل در قرآن
۵۹	۲-۵-۱ لُبّ
۶۴	۲-۵-۲ نهیه و حجر
۶۵	۲-۶ ویژگی‌های تعقل‌کنندگان و أولوالالباب از نظر قرآن
۶۷	۲-۷ قرآن و ویژگی‌های کسانی که تعقل نمی‌کنند
۷۰	۲-۸ رابطه جانشینی تعقل، تفکر، تعلم و تفقه در قرآن
۷۱	۲-۹ عقل و ایمان، عقل و دین و تعقل و ایمان آوردن
۷۳	۲-۹-۱ چستی ایمان
۷۶	۲-۹-۲ متعلقات ایمان در فرهنگ اسلامی و در قرآن
۷۸	۲-۹-۳ مراتب ایمان از نظر قرآن
۸۰	۲-۹-۴ ایمان، جبر یا اختیار
۸۱	۲-۹-۵ نحوه حصول ایمان و افزایش آن
۸۳	۲-۹-۶ رابطه ایمان و تعقل در قرآن
۸۶	۲-۱۰ محدودیت یا عدم محدودیت تعقل از نظر قرآن
۹۵	خلاصه فصل دوم
۹۷	فصل سوم: عقل در احادیث اسلامی و معنانشناسی آن
۹۷	مقدمه
۹۸	۳-۱ جایگاه حدیث در فرهنگ اسلامی
۱۰۰	۳-۲ مقام و ارزش عقل در احادیث اسلامی
۱۰۱	۳-۲-۱ عقل، اولین مخلوق خدا
۱۰۴	۳-۲-۲ عقل محبوب‌ترین، و بهترین مخلوق نزد خداوند
۱۰۵	۳-۲-۳ عقل معیار شناخت خداوند
۱۰۵	۳-۲-۴ عقل حجت باطنی خداوند
۱۰۶	۳-۲-۵ عقل اساس و اصل دین
۱۰۷	۳-۲-۶ عقل و دین دو همراه همیشگی
۱۰۸	۳-۲-۷ عقل ملاک هدایت
۱۰۹	۳-۲-۸ عقل معیار و میزان پاداش و عذاب
۱۱۰	۳-۲-۹ عقل متعلق پاداش و عذاب
۱۱۰	۳-۲-۱۰ عقل بهترین عبادت‌کننده خداوند
۱۱۱	۳-۲-۱۱ عقل ملاک پذیرش و ارزش عبادت، نماز و روزه
۱۱۰	۳-۲-۱۲ عقل غایت هر عبادت
۱۱۲	۳-۲-۱۳ عقل معیار تمییز حق از باطل
۱۱۳	۳-۲-۱۴ عقل عظیم‌تر از عرش الهی

۱۱۴	۳-۲-۱۵ رشد عقول هدف بعثت انبیاء
۱۱۴	۳-۲-۱۶ عقل اصل و قوام انسان
۱۱۵	۳-۲-۱۷ عقل زینت و نور انسان و زیباترین چیز
۱۱۵	۳-۲-۱۸ عقل اساس نعمت و بالاترین نعمت
۱۱۶	۳-۲-۱۹ عقل پرسودترین دارایی
۱۱۷	۳-۳ معنانشناسی عقل در روایات اسلامی
۱۱۷	۳-۳-۱ بیان مستقیم معنای عقل در روایات
۱۲۱	۳-۳-۲ معنای عقل در متن احادیث
۱۲۴	۳-۳-۳ ویژگی‌های «عقل» در روایات اسلامی
۱۲۴	۳-۴-۱ عقل، اشتراک لفظی و معنوی، به تواطؤ و تشکیک
۱۲۵	۳-۴-۲ زنده و بیدارشدن عقل
۱۲۶	۳-۴-۳ قابلیت شناخت
۱۲۷	۳-۴-۴ داشتن نیرو و لشکریان
۱۲۷	۳-۴-۵ امیری عقل
۱۲۷	۳-۴-۶ اسیری عقل
۱۲۸	۳-۴-۷ جای عقل
۱۲۸	۳-۵ عقل عملی و نظری در احادیث
۱۲۹	۳-۵-۱ عقل به معنای عقل نظری در روایات
۱۳۱	۳-۵-۲ عقل به معنای عقل عملی در روایات
۱۳۲	۳-۶ عناصر حوزه معنانشناسی عقل (رابطه هم‌نشینی، جانشینی و ...) در روایات
۱۳۴	۳-۷ معانی عقل از نظر بعضی از محدثان
۱۴۰	۳-۸ آثار عقل از نظر روایات اسلامی
۱۴۱	۳-۹ احادیث اسلامی و محدودیت یا عدم محدودیت عقل
۱۴۸	خلاصه فصل سوم
۱۵۱	فصل چهارم: عقل در حکمت مشاء و معنانشناسی آن
۱۵۱	مقدمه
۱۵۲	۴-۱ تقسیم فلسفه اسلامی به مشائی، اشراقی و متعالیه
۱۵۵	۴-۲ انواع رویکردهای فلسفی به مسائل
۱۵۶	۴-۳ رویکردهای ارسطو به «عقل»
۱۵۶	۴-۳-۱ رویکرد وجودشناختی ارسطو به عقل
۱۶۰	۴-۳-۲ رویکرد روان‌شناختی و معرفت‌شناختی ارسطو به عقل
۱۶۱	۴-۳-۳ ارسطو و مراتب عقل انسانی در ساحت کسب معرفت
۱۶۶	۴-۳-۴ ارسطو و بقای عقل
۱۶۷	۴-۳-۵ ارسطو و تقسیم عقل به نظری و عملی
۱۶۹	۴-۴ ابن‌سینا و مکتب مشائی ارسطویی
۱۷۱	۴-۵ رویکردهای ابن‌سینا به «عقل»

۱۷۱	۴-۵-۱ رویکرد وجودشناختی ابن سینا به عقل
۱۷۶	۴-۵-۲ رویکرد روان‌شناختی و معرفت‌شناختی ابن سینا به عقل
۱۷۷	۴-۵-۳ ابن سینا و مراتب عقل انسانی در کسب معرفت
۱۸۳	۴-۶ ابن سینا و عقل عملی و عقل نظری
۱۸۶	۴-۷ مقایسه نظریات ارسطو و ابن سینا درباره عقل
۱۸۶	۴-۷-۱ اختلاف نظر در عقول مفارق
۱۸۷	۴-۷-۲ اختلاف نظر در معقول مفارق
۱۸۷	۴-۷-۳ اختلاف نظر در اقسام و مراتب عقل
۱۸۸	۴-۷-۴ اختلاف نظر در عقل هیولانی یا عقل قابل
۱۸۸	۴-۷-۵ اختلاف نظر در عقل فاعل و عقل فعال
۱۸۹	خلاصه فصل چهارم

۱۹۱	فصل پنجم: تطبیقی از معناشناسی عقل در دیدگاه اسلام و حکمت مشاء
۱۹۱	مقدمه
۱۹۲	۵-۱ تعامل معنایی قرآن با آثار مشائی ارسطویی
۱۹۳	۵-۲ رویکرد وجودشناختی قرآن و ارسطو به عقل
۱۹۵	۵-۳ رویکرد معرفت‌شناختی قرآن و ارسطو به عقل
۱۹۹	۵-۴ تطبیق عقل قرآنی با عقل ارسطویی
۲۰۱	۵-۵ عقل در قرآن و عقل سینوی
۲۰۴	۵-۶ عقل نظری و عقل عملی در قرآن و حکمت مشائی
۲۰۷	۵-۷ عقل در روایات اسلامی، فلسفه ارسطویی و سینوی
۲۱۳	خلاصه فصل پنجم

۲۱۷	منابع
-----	-------

تقدیم:

به آنان که در جستجوی چراها خستگی نمی شناسند.
و به روح پدر و مادرم، و همه پدر و مادرانی که فرزندانی نیک پروریده‌اند.

﴿رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا﴾

پیشگفتار

یکی از بزرگ‌ترین وسایل تحقیق و شناخت در علوم انسانی مقایسه است، پرداختن به مقایسه در مسائل انسانی و مذهبی شناختمان را از لحاظ سطح و از لحاظ عمق بیشتر می‌کند.

(شریعتی، ۱۳۵۰: ۹۷)

من چه گویم یک رگم هوشیار نیست وصف آن یاری که او را یار نیست
چون که خواهم من ز خالش دم زنم نطق می‌خواهد که بشکافد تنم
﴿سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ﴾

حمد و سپاس از آن خداوندی است که هر توفیقی از اوست. بالاترین سپاسگزاری به‌خاطر بخشیدن نعمت عقل و خردورزی به انسان است؛ نیرویی که انسان را در مسیر زندگی برای یافتن خوب و بد و درست و نادرست یاری می‌دهد. این نعمت همراه با نعمت دین کمال‌بخش آدمی و رفتار آدمی است. درود بر انبیاء، اولیاء و دانشمندانی که در سایه تلاشی خستگی‌ناپذیر، انسان‌ها را در جریان سیر کمال خود یاری رساندند.

در بلندای تاریخ علم و از زمان پیدایش خط و آثار مکتوب، بحث از عقل و خرد و اندیشه بحثی آشناست. سفارش به خردورزی و کاربرد اندیشه در زندگی، بخش مهم حکایاتی است که میراث فرهنگی هر جامعه‌ای است. از طرف دیگر، از زمان نمود و

حضور دین در جامعه انسانی، به‌ویژه در دوره تکامل آن، رابطه عقل و دین از مباحث با ارزش فرهنگ انسانی است و از روزگاران گذشته مورد توجه انسان‌های متفکر بوده است. دغدغه اصلی در این باب از آن اندیشمندان دینی است که از سویی خداپرست و دیندار بوده و از طرف دیگر خردورزی پیشه نموده‌اند. آن‌ها در این زمینه اندیشه‌سوز عمر گذرانده‌اند. سؤالاتی که همیشه مورد توجه این گروه بوده، بیشتر به تعارض عقل و دین مربوط بوده است؛ و هدف آن‌ها اکثراً جمع بین دین و عقل می‌باشد.

دانشمندان اسلامی هم از قرون اولیه پیدایش اسلام با این مسأله روبه‌رو بوده‌اند. در برخورد با مسأله تعارض و تقابل عقل و دین نظرات علمای اسلامی مختلف است. عده‌ای عقل را نفی کرده، معتقدند نجات انسان در عمل کردن به دین است. برخی دیگر بر عقل تأکیدورزیده و معتقدند برای رسیدن به حقیقت کافی است. گروهی هم معتقدند که خداوند که خالق انسان است خود به او عقل داده و آن را وسیله هدایت او قرار داده است؛ از طرف دیگر، دین هم لطف دیگری از خداوند به‌شمار می‌آید و برای راهنمایی و سعادت انسان به او عطاء شده است؛ پس نمی‌تواند این دو شیوه هدایت که از یک منبع سرچشمه می‌گیرند، متعارض باشند. دین و عقل دو شیوه هدایت انسان به‌شمار می‌آیند. آن دو می‌توانند باهم منشأ کمال انسانی قرار گیرند. این نظر آخری نظر اکثری علمای اسلامی است.

هرکدام از دیدگاه‌های فوق در صدد است تا دلایلی بر اثبات خود ارائه کند. از آنجاکه کتاب و سنت مرجع اصلی همه مسلمانان از فرقه‌های گوناگون است، یکی از شیوه‌های رسیدن به حقیقت در این زمینه رجوع به این دو منبع اصلی اسلامی است. از این راهکار در طول تاریخ اسلام از سوی علمای اسلامی و در زمینه‌های مختلف استفاده شده است. رجوع به متون کتاب و سنت در شناخت نظر اصلی اسلام یکی از شیوه‌هایی است که در رویکردهای مختلف علمای اسلامی وجود دارد.

از طرف دیگر، امروزه در شناخت و معرفت نسبت به یک متن بر معناشناسی، که یکی از گرایش‌های زبان‌شناسی است، تأکید می‌شود. بنابراین می‌توان گفت ورود به این بحث از طریق معناشناسی هم می‌تواند به انواع روش‌های محققان اسلامی در این زمینه اضافه شود. در همین راستا کار بر روی معناشناسی عقل در آیات و روایات اسلامی و مقایسه آن با معانی عقل در حوزه‌ها و مکاتب مختلف فکری کاری ارزنده و جدید

است. مسلماً این کار به روشن شدن این مسأله باارزش فرهنگی کمک خواهد کرد. کاری که تلاش شده است تا در این اثر به اندازه بضاعت مؤلف انجام گیرد. نویسنده معتقد است که این کار او تنها برداشتن گامی در جهت روشن شدن رابطه عقل و دین است؛ و گام‌های بعدی بایستی از سوی بزرگان فکر و اندیشه و دین برداشته شود.

این کتاب که یک اثر تطبیقی است شامل پنج فصل می‌شود. در فصل اول کلیاتی از روش تطبیق، شیوه و اصول معناشناسی، توضیح معنای عقل در قبل از اسلام در میان اعراب و تحولات معنایی این واژه در دوره‌های متوالی برای ورود به بحث اصلی آمده است. در فصل دوم به یک بخش اصلی بحث که عقل در قرآن است پرداخته و حوزه معنایی آن را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. در فصل سوم همین امر درخصوص روایات اسلامی مورد کاوش قرار می‌گیرد. در فصل چهارم بخش اصلی دیگر این تطبیق یعنی عقل در حکمت مشائی با تأکید بر دو فیلسوف بزرگ مشائی، یعنی ارسطو و ابن سینا، مورد بررسی و کاوش قرار می‌گیرد. در نهایت در فصل پنجم توضیحی تطبیقی از دیدگاه اسلامی به عقل با دیدگاه مشائی به آن دارد.

این اثر در اصل رساله دکترای اینجانب بوده که اینک با تغییرات و اضافاتی به صورت کتاب ارائه می‌شود. در اصل رساله از راهنمایی استاد فرهیخته دکتر ابراهیمی دینانی و مشاوره اساتید فرهیخته دکتر اعوانی و حجت الاسلام دکتر محقق داماد استفاده کرده‌ام. در اینجا لازم است مجدداً از آن‌ها تشکر و قدردانی نموده برای آن‌ها طول عمر با سعادت از خداوند طلب نمایم. در پایان از خداوند بزرگ به خاطر همه عنایاتش سپاسگزارم. نویسنده علاوه بر شکرگزاری به درگاه الهی و سپاس نسبت به اساتید بزرگوار خود، بر خود فرض می‌داند تا سپاسگزار همه کسانی باشد که در به ثمر رسیدن آثار مکتوب علمی از جمله این اثر سهیم‌اند. از همه اساتید بزرگوار خود در همه مراحل تحصیل تشکر و قدرانی می‌کنم و از خداوند متعال برای آن‌هایی که از دنیا رفته طلب رحمت و مغفرت، و برای آن‌هایی که در قید حیات هستند سلامتی و موفقیت خواستارم.

تشکر و سپاس خود را از همه نویسندگان و مترجمان، ایرانی و غیرایرانی، که از آثارشان، به طور مستقیم، که نامشان آمده، یا غیرمستقیم، استفاده کردم اعلام داشته، برای آن‌ها از خداوند، خیر دنیا و آخرت طلب می‌نمایم. از کسانی که به هر طریقی در

اصلاح این اثر به نویسنده کمک نموده به ویژه داوران و ویراستاران علمی تشکر و قدرانی می‌نمایم. از همه کسانی که در مدیریت تجهیز محتوای علمی و آموزشی، چاپخانه و دیگری که در به سامان رسیدن آثار از ابتدا تا انتها متحمل زحمتی می‌شوند سپاسگزارم و برایشان سلامتی و موفقیت آرزو مند؛ و کلام آخر که همان کلام اول است، درخواست یاری از خداوند برای هدایت و اصلاح اندیشه و فکرمان و حاصل آن، و درخواست از همه خوانندگان این اثر، به ویژه دانشجویان گرامی و اساتید محترم که جهت رفع ایرادات آن، این حقیر را راهنمایی فرمایند.

والله ولي التحقيق و بیده التوفیق

فصل اول

کلیات

مقدمه

بحث از رابطه عقل و دین بحثی کهن در آثار اندیشمندان دینی است که تاکنون ادامه دارد. از طرف دیگر مخالفان دین هم به این بحث از قدیم‌الایام رویکردی داشته‌اند. درمجموع پرسش‌هایی که همیشه موردتوجه این گروه بوده، بیشتر به تعارض عقل و دین مربوط بوده است؛ عده‌ای دین و وحی را بی‌نیاز از عقل، عده‌ دیگری دین را عقل‌ستیز و گروهی دین را عقل‌گریز و برخی هم عقل‌پذیر دانسته و اکثراً به‌دنبال جمع بین وحی و عقل می‌باشند.

از طرف دیگر برخی از فلاسفه از گذشته‌های دور برای عقل انسانی ارزش والایی قائل بوده و رسیدن به حقیقت و سعادت را در گروهی کاربرد درست عقل انسانی می‌دانند. فلسفه مشاء که برگرفته از نظرات ارسطو فیلسوف یونان باستان است، عقل را در مقام بسیار بالایی می‌نشاند و فلاسفه اسلامی به‌ویژه پیروان مشائی آن به عقل اهمیت خاصی داده و در جایی می‌نشانند که می‌توان گفت بعد از خداوند در مرتبه هستی بالاترین موجود بوده و در وجود آدمی تنها راه رسیدن به حقایق معرفی می‌شود.

با ظهور دین اسلام در قرن ششم میلادی، و توسعه این دین در طول نزدیک به دو قرن، تحول بزرگی حاصل شد که منطقه پهناوری از جهان در گستره اقیانوس هند تا اقیانوس اطلس در پرتوی شعاع دین اسلام، فرهنگی عظیم و تمدنی چشمگیر پیدا کرده و در این منطقه علوم گوناگون در قلمرو وسیع شکوفاشده و دانشمندانی بزرگ هزاران کتاب و رساله علمی تالیف و ده‌ها مطلب بی‌سابقه را کشف کردند. براساس گفته محققان

مبنای این رشد علمی و فرهنگی را ابتدا باید در متن کتاب مقدس این دین و سپس در توصیه پیشوایان آن جستجو کرد. توجه به علم و دانش و تأکید بر خردورزی، گستره‌ای وسیع در پیام قرآن و سخن پیشوایان دینی دارد. مضافاً اینکه پیدایش نهضتی عظیم در جهت ترجمه آثار علمی گذشتگان و استفاده از دانش گذشتگان و آثار علمی آنها بر مبنای دستورات این دین مقدس از علل نمود چنین تمدن درخشانی است.

هرچند خردورزی و اهمیت دادن به عقل در قرآن و توصیه پیشوایان اسلامی امری مسلم بوده و هست، اما با ورود آثار فلاسفه یونانی در جهان اسلام و ارزشی که در آن به عقل داده شده، برخورد اندیشمندان اسلامی با مسأله عقل و رابطه آن با دین اسلام در یک طیفی به وسعت مخالفت شدید تا موافقت کامل و در حدی از رد کامل عقل تا داور مطلق دانستن آن قرار دارد. به عبارت دیگر، دانشمندان اسلامی از قرون اولیه پیدایش اسلام با این مسأله با دیدگاه‌های مختلف روبه‌رو بوده‌اند. عده‌ای عقل را نفی کرده، معتقدند نجات انسان در عمل کردن به دین است. گروهی دیگر بر عقل تأکید ورزیده و معتقدند برای رسیدن به حقیقت کافی است. از سوی دیگر، فلاسفه بزرگ اسلامی چون فارابی، ابن سینا، ابن رشد، خواجه نصیرالدین طوسی، صدرالمتهلین و ... در رفع این اختلاف تلاش کرده و معتقد بودند که دین و عقل دو شیوه هدایت انسان به‌شمار می‌آیند. آن‌ها معتقد بودند خداوند که خالق انسان است و خود به او عقل داده است، آن را وسیله هدایت او قرار داده است؛ از طرف دیگر، دین هم لطف دیگری از خداوند به‌شمار می‌آید و برای راهنمایی و سعادت انسان به او عطاء شده است؛ پس نمی‌تواند این دو شیوه هدایت که از یک منبع سرچشمه می‌گیرند، متعارض باشند. اما گروه مخالف هرکدام به نوعی در صدد اثبات عقیده خود، مبنی بر کفایت دین یا عقل به‌طور مجزاً در هدایت انسانی، برآمده‌اند.

هرچند فلاسفه و اندیشمندان اسلامی در طول تاریخ به تبیین دقیق نظریات خود و پاسخ به اشکالات مخالفین در این زمینه پرداخته‌اند و هرچند در بحث‌های قرآنی و روایی هم این مسأله تبیین و گفتگو شده است؛ اما میدان بحث آن‌چنان وسیع است که جای مطالعه و کوشش جدید همچنان باقی است. به علاوه، نظریات جدید علمی این بحث را با شیوه‌های جدیدی مطرح کرده و زمینه‌های تازه‌ای به روی آن گشوده است. یکی از این شیوه‌های جدید شیوه معناشناسی در زبان‌شناسی و فلسفه تحلیلی زبان است. در همین راستا است که کار بر روی معناشناسی عقل در آیات و روایات اسلامی و

مقایسه آن با معانی عقل در حوزه‌ها و مکاتب مختلف فکری اهمیت می‌یابد. مسلماً این کار به روشن‌شدن این مسأله باارزش فرهنگی کمک خواهد کرد. در این فصل و در ادامه ابتدا به طرح مسأله اصلی و سپس به مسائلی پرداخته می‌شود که آگاهی و شناخت آن‌ها در حوزه کلیات این بحث لازم است.

۱-۱ طرح مسأله

غالباً در آثار گفتاری و نوشتاری در هر فرهنگی، «عقل» و «خرد» مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، و هیچ انسان‌شناسی وجود ندارد که نفیاً و اثباتاً این مقوله مشکک را مورد ملاحظه و دقت نظر قرار نداده باشد. واژه عقل از اصطلاحات کلیدی متون دینی و اسلامی است؛ علماء و اندیشمندان اسلامی از گذشته تاکنون به پیروی از پیشوایان این دین بزرگ الهی در خصوص وجود عقل انسانی و ارزش آن اتفاق نظر دارند. اختلاف دیدگاه‌های آن‌ها به حدود عقل و توانایی‌های آن و تقدّم و تأخرش نسبت به شرع برمی‌گردد. فلاسفه و متکلمان از هر نحله و مکتبی، در طول تاریخ در مباحث خود بیشتر از دیگران به عقل پرداخته‌اند. در حقیقت این عقل انسانی است که علاوه بر اثبات و نفی دیگران، خود به نفی و اثبات و تعدیل خود می‌پردازد؛ یعنی در همه مناظرات فکری و علمی انسان‌ها، عقل حضوری همیشگی دارد. در میان علمای اسلامی حتی کسانی که سربعاً با عقل به مخالفت برخاسته‌اند، در صدد تبیین و توجیه سخنان خود از طریق عقل برمی‌آیند.

در نظرات مختلف درباره عقل، بعضی در خصوص ماهیت عقل به تجرّد آن فائلند و بعضی آن را غیرمادی نمی‌دانند. گروهی در کسب معرفت انسانی، آن را شاخص قرارداده و سایر معارف را فرع و تبع آن به حساب می‌آورند؛ و عده‌ای با این نظر مخالفت کرده، کمال آن را در گرو تبعیتش از شرع و دین به حساب می‌آورند. بعضی هم علاوه بر عقل انسانی قائل به وجود عقل در خارج از نفس انسانی هستند، و در مقابل عده‌ای آن را تنها جزء ذات او به حساب می‌آورند.

در این میان یکی از سؤالات بسیار مهم که پاسخ آن روشن‌کننده است، این است که نظر دین در مورد عقل چیست؟ سؤالی که یکی از پرمناقشه‌ترین بحث‌ها را در تاریخ ادیان و به‌ویژه اسلام، به خود اختصاص داده است و در این جدال مردافکن آنچه بیش از همه رهزن بوده است، عدم وضوح معنای عقل می‌باشد. همان‌طور که، در بسیاری از

واژه‌ها این‌طور بوده است. این مسأله درخصوص مشتقات عقل و واژه‌های مترادف و هم‌معنای آن هم صادق است. به‌همین دلیل اگر توضیح معانی، حل‌کننده نزاع‌ها نیست، مسلماً روشن‌کننده محل آن و باعث کاهش و شفافیت این نزاع‌ها خواهد بود.

از سوی دیگر با بررسی اندیشه‌های فیلسوفان مسلمان می‌توان به این حقیقت دست یافت که فلسفه مشایی از زوایای گوناگون به‌ویژه نقش عقل تأثیر بسیاری بر آن‌ها داشته است. آنچه امری مسلم تلقی می‌شود این است که بن‌مایه فلسفه اسلامی نظرات فیلسوفان یونانی به‌ویژه افلاطون و ارسطو است، اما فلاسفه مسلمان تنها به طرح و بیان دیدگاه‌های آن‌ها بسنده نکرده و در اثر تفکر و اندیشه و تأثیر و تعامل سایر اضلاع هندسه معرفتی اسلامی، این دیدگاه‌ها، در ورود و نوع نگرش به مسائل، توسعه‌ای متفاوت یافته، و حتی وقتی به میان اروپاییان بازگشته، مبانی متفاوت خود و ماهیتی که بر این مبانی مبتنی است را حفظ کرده است. مقایسه نظرات اندیشمندان اسلامی با دیدگاه‌های فلاسفه یونانی در زمینه مباحث مختلف، این توسعه و ارزش آن را نشان می‌دهد.

محقق و ابن‌سینا شناس معاصر فرانسوی «گوآشون» در تطبیقی که از کتاب شفاء بوعلی با متافیزیک ارسطو نموده به بعضی از این موارد، البته تا زمان ابن سینا، اشاره کرده است (See Goashon, 1960). گوتیه خاورشناس فرانسوی در رد نظراتی که معتقدند فلاسفه مسلمان تنها مقلد یونانیان بوده و تنها دیدگاه‌های آن‌ها را مطرح کرده‌اند، معتقد است که، فلاسفه اسلامی در توسعه فلسفه دارای باریک‌بینی‌ها و تلاشی بودند که بی‌نظیرند. آن‌ها با مهارت، موشکافی و بلند نظری در اتصال میان دین و حکمت، کانون تازه‌ای در فلسفه یونانی پدید آوردند (Gauthier, 1923, p 121).

تأثیر اندیشمندان مسلمان در این توسعه از قرآن و دستورات پیشوایان اسلامی امری بدیهی است. بنابراین در هر زمینه مقایسه دیدگاه‌های اسلامی از طریق قرآن و احادیث با دیدگاه‌های فلاسفه اسلامی، ضمن روشن‌نمودن این تأثیر، رویکرد اسلامی را هم مشخص‌تر می‌سازد. شناخت عقل در هر دو رویکرد آن هم از حیث معنایی از این منظر اهمیت دارد. بنابراین در این کتاب هدف اولیه بیان معنای عقل در قرآن مقدس و روایات اسلامی است. و هدف بعدی، مقایسه‌ای از آن و عقل در فلسفه مشائی است که برای روشن‌تر شدن این مسأله و توضیح بیشتر صورت می‌گیرد. در این مقایسه به حیثیت‌های مختلف مطرح‌شده برای عقل در فلسفه مشائی، توجه شده است.

در فلسفه گاهی عقل از آن جهت که موجودی از موجودات عالم است، مورد توجه قرار می‌گیرد و فلاسفه به تعریف، مدح و بیان ویژگی‌های آن می‌پردازند؛ این را تبیینی از عقل از حیث وجودی یا از حیث وجودشناسی گویند. گاهی رویکرد به عقل به‌عنوان قوه‌ای از قوای نفس یا روح و روان آدمی است و گاهی از آن جهت مورد توجه قرار می‌گیرد که فاعل معرفت و شناسایی انسانی است و انسان‌ها از طریق آن به شناخت نظری و عملی دست می‌یابند؛ این دو حیثیت را به‌ترتیب، جهات یا حیثیت‌های روانی یا روان‌شناسی و معرفتی یا معرفت‌شناسی عقل گویند.

در این کتاب، علاوه‌بر بررسی معانی عقل در قرآن و روایات اسلامی، نظری هم به این مسأله می‌شود که در متون اسلامی چه مقدار به حیثیت‌های عقل (از حیث عملی و نظری) به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم توجه شده است. در قرآن کریم عقل به چه معنایی به‌کار رفته است؟ معنای عقل در روایات اسلامی چیست؟ تفاوت معنایی عقل در قرآن و روایات اسلامی چیست؟ در حکمت مشاء اسلامی عقل چه معانی دارد؟ معنای عقل در دو نظام اسلامی و مشائی از حیث هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روان‌شناختی چه همسانی و چه ناهمسانی‌هایی دارد؟ این همسانی‌ها و ناهمسانی‌ها چه تبیینی دارند؟ توصیف تحلیلی و تبیین این معناشناسی به‌صورت تطبیقی این کتاب است.

رویکرد تطبیقی امروزه یکی از رویکردهای مهم به مسائل فکری و علمی است که هدف اصلی آن روشن‌شدن و شفافیت حقیقت است. امروزه مطالعات و پژوهش‌های تطبیقی در اکثر رشته‌های علمی جایگاه مهمی دارند. کافی است نیم‌نگاهی به تحقیقات علمی در دنیای معاصر شرق و غرب بیافکنید، مطمئناً مشاهده خواهید کرد که، بخش زیادی از این تحقیقات به‌ویژه در حوزه علوم انسانی با عنوان تطبیقی مزین است. امروزه در کشور ما بخش قابل‌توجهی از مقاله‌های چاپ‌شده در مجلات علمی به شیوه تطبیقی و مقایسه‌ای نگاشته شده‌اند. این، غیر از مجلاتی است که با عنوان تطبیقی منتشر می‌شود. در حوزه علوم انسانی مجلاتی با عنوان تطبیقی متعدد است. به هر تقدیر، امروزه کمتر رشته‌ای از دانش است که با رویکرد تطبیقی مورد پژوهش قرار نگرفته باشد. به عبارت دیگر اهمیت رویکرد تطبیقی در علوم و ضرورت استفاده از آن به حدی است که در هر رشته‌ای مورد استقبال صاحب‌نظران آن قرار گرفته است.

از طرف دیگر، امروزه، معناشناسی یکی از گرایش‌های اصلی زبان‌شناسی و بخش مهمی از فلسفه زبان تلقی می‌شود. بنابراین، باید گفت بحث از زبان و معناشناسی یکی از مباحث مهم در بحث از کلیات هر تحقیقی است. مضافاً اینکه، مهم‌ترین بحث در هر رویکرد علمی، مسئله روش‌شناسی آن است. بدون شناخت روش هر رویکرد، ورود به آن را قطعاً با مشکلاتی روبه‌رو خواهد ساخت. این امر در مورد رویکرد تطبیقی هم کاملاً صادق است. بر این اساس، در ادامه توضیحی در حد کلیات در باره رویکرد تطبیقی که در این اثر مورد استفاده قرار گرفته است، و توضیحی درخصوص معناشناسی خواهد آمد؛ و با بحث از معنای عقل در قبل از اسلام در بین اعراب و تحولات معنایی آن در دوران مختلف برای ورود به بحث اصلی که در فصل‌های بعد می‌آید، کامل خواهد شد.

۲-۱ معرفی کلی رویکرد تطبیقی

معنای اصطلاحی معروفی که بیشتر در کاربرد تطبیق منظور می‌شود، تطبیق به معنای مقایسه در جهت تعیین همسانی‌ها و ناهمسانی‌ها است. در این روش تلاش بر شناخت اشتراکات و افتراقات اموری است که باهم مقایسه می‌شوند. این معنای متداول و کاربردی تطبیق در آثار تطبیقی است؛ اما باید گفت تطبیق عیناً همان مقایسه نیست. تطبیق به معنای علمی و دقیق مقایسه تنها نیست. در مفهوم مقایسه نه برابری وجود دارد و نه بیان چگونگی (توصیف) و چرایی (تبیین) همسانی‌ها و ناهمسانی‌ها در آن نهفته است. تطبیق برخلاف مقایسه یک فرایند پژوهش است که دارای مراحل است. توجه به مراحل تطبیق امری ضروری است. گاهی برای فرایند تطبیق پنج مرحله انتخاب، توصیف، کنارهم قراردادن توصیفات، و در صورت لزوم توصیف مجدد و تصحیح توصیفات اولیه و درنهایت ارائه نظریه قائل تعیین می‌شود (See Freiburger, 2018: p 8). گاهی هم برای آن پنج مرحله تعریف مسأله، تحدید دامنه تحقیق، استقصای حداکثر وجوه و موارد تمایز و تشابه، عبور از موارد تشابه و تفاوت ظاهری به مواضع خلاف و وفاق واقعی و تبیین مواضع خلاف و وفاق می‌دانند (ر. ک. قراملکی، ۱۳۸۵: ۲۹۹). از طرف دیگر اگر هسته مشترکی در نظر نباشد تطبیق منسجم نخواهد بود.

همچنین، در تطبیق باید دامنه تطبیق مشخص باشد. دامنه تحقیق و تطبیق محدوده‌ای است که مرزهای تطبیق و تحقیق را مشخص می‌کند. یکی از لغزشگاه‌های

پژوهش، به‌ویژه در پژوهش تطبیقی، خلط دامنه‌های پژوهش است. به‌همین دلیل امروزه توجه به دامنه تطبیق اهمیت بسیاری دارد و امکان تطبیق و علمی‌بودن و نزدیکی به حقیقت و واقعیت در یک تحقیق، مشروط به‌وجود یک دامنه مشخص در پژوهش است. تعیین دامنه تحقیق، که محدوده تطبیق را مشخص می‌کند، می‌تواند از جهت‌های مختلف صورت گیرد. از یک طرف با تعیین دامنه مقایسه و تطبیق در سه سطح کلان، میانی و خرد^۱ قابل طرح است. از طرف دیگر در تعیین دامنه تطبیق و پژوهش، بعضی از محققان دوره‌ای از تاریخ را دامنه موردتوجه خود قرار می‌دهند. مثلاً در تعیین دامنه یک دین، یا ادیان مختلف می‌توان یک موضوع یا موضوعاتی از یک دین را در دوره‌های مختلف تاریخی مورد مطالعه و پژوهش تطبیقی قرار داد و نتیجه آنکه نمود تحولات در این حوزه‌هاست را بیان کرد. حتی می‌توان یک مسأله یا بیشتر در دامنه باورهای دو فرقه یا دو مذهب از یک دین را مورد پژوهش تطبیقی قرار داد. این نوع تطبیق‌های درون دینی پیشینه بلندی در فرهنگ ادیان بزرگ دارد.

در نوع دیگر از دامنه، رویکردهای نظری مطرح موردتوجه است. مثلاً در حوزه دین و خداشناسی، دامنه تطبیقی می‌تواند کلامی، فلسفی، فقهی، اصول فقهی، حدیثی، از منظر نظام‌ها و مکاتب دینی یا از منظر علما و دانشمندان دینی باشد. عوامل مختلفی در تعیین و تحدید انواع دامنه نقش دارد. توانایی فردی محقق، امکانات پژوهشی، قابلیت تطبیق و ... از جمله آن‌هاست (قراملکی، ۱۳۸۵: ۲۹۷-۲۹۶). یکی از ایده‌های متداول در تقسیم دامنه‌ها در دین‌پژوهی تطبیقی که امروزه در سطح علمی مطرح است، آن را به سه قسم تقسیم کرده است. به عبارت دیگر، براساس این تقسیم تطبیق در حوزه دین می‌تواند در سه دامنه انجام گیرد که شامل دامنه یک زمینه و بافت، دامنه «بین‌فرهنگی» و دامنه «فراتاریخی» است (see Mack 1996, p. 257).

در اینجا قصد ورود به توضیح آن‌ها نیست علاقه‌مندان می‌توانند به منابع ذکرشده مراجعه کنند.^۲ هدف بیان این مسأله است که تطبیق امروزه یک رویکردی در تحقیق است که اهل فن روش و هدف آن را به‌طور دقیق بیان کرده‌اند. آنچه به‌عنوان نتیجه این بخش لازم است گفته شود این است که به‌طور کلی تطبیق «مطالعه و توصیف و تبیین بی‌طرفانه

۱. Three levels: Micro, meso, and macro comparison.

۲. همچنین اثر دیگری از این نویسنده تحت عنوان «درآمدی بر رویکرد پژوهش تطبیقی به ادیان» قابل رجوع است: (ر. ک. صادقی، ۱۴۰۲: ۳۸-۱).